

یوآن دیجیتال چین: ابزار تجارت یا دور زدن تحریم؟



دکتر محمدحسین محمدی
پژوهشگر اقتصاد سیاسی بین‌الملل

در سال‌های اخیر، هر زمان که بحث یافتن مسیرهای جایگزین برای کاهش تب و تاب تحریم‌های مالی علیه ایران به میان آمده، نگاه سیاستگذاران و تحلیلگران به‌سرعت به سمت ابزارهای مالی خارج از هژمونی غرب معطوف شده است که در این میان، ظهور یوآن دیجیتال چین به عنوان یکی از جنجال‌برانگیزترین پدیده‌ها، توجهات زیادی را در فضای اقتصادی ایران به خود جلب کرده است. در مواجهه با این پدیده نوظهور، با دو رویکرد متفاوت رویه‌رو هستیم؛ گروهی با استناد به روابط راهبردی تهران و یکن معتقدند این ابزار حاکمیتی می‌تواند راه تنفسی جدیدی برای عبور از بن‌بست‌های بانکی بگشاید و در مقابل تحلیلگرانی قرار دارند که آن را فاقد کارایی عملیاتی در اتمسفر پیچیده اقتصاد تحریمی ایران می‌دانند.

اگرچه فرضیه نخست در ظاهر و به ویژه با در نظر گرفتن جایگاه چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان که در حال توسعه یک زیرساخت پولی مستقل از شبکه مالی غرب است، بسیار جذاب به نظر می‌رسد، اما واقعیت این است که میان پتانسیل‌های ذاتی یک فناوری نوین مالی و انتظارات کارکردی ما از آن، شکاف عمیقی وجود دارد.

واقعیت غیرقابل انکار این است که یوآن دیجیتال اساساً با هدف دور زدن تحریم‌های ایران طراحی شده و هیچ گونه رسالت ژئوپلیتیک اولیه برای حل چرلهای کور مالی سایر کشورها در شناسنامه آن تعریف نشده است؛ از این رو، تصور اینکه این ابزار دیجیتال به تنهایی قادر است بار سنگین تحریم‌های همه‌جانبه مالی ایران را به دوش بکشد، ناشی از عدم شناخت دقیق ماهیت این فناوری و سازوکارهای چندلایه تحریم‌های بین‌المللی است.

بانک خلق چین سال‌ها پیش از آنکه تنش‌های پولی بین‌المللی به نقطه فعلی برسد، تحقیق روی این پروژه را با هدف مدرن‌سازی نظام پرداخت داخلی، صیانت از نقش حاکمیتی بانک مرکزی در عصر اقتصاد دیجیتال و بهینه‌سازی زیرساخت‌های پولی کشور آغاز کرد. در واقع، در جامعه‌ای که بخش عمده تراکنش‌های روزمره شهروندان بر بستر سکوهاى خصوصی غول‌آسای نظیر «علی‌پی» و «دو» چینی انجام می‌شود، یوآن دیجیتال ابزاری برای بازپس‌گیری کنترل حاکمیت بر جریان نقدینگی و ایجاد یک لایه پول رسمی دیجیتال در کنار این زیست‌بوم‌های خصوصی به شمار می‌رود، نه یک چتر نجات برای شرکای تجاری تحت تحریم چین.

البته این بدان معنا نیست که یوآن دیجیتال فاقد هرگونه پویست ژئوپلیتیک است؛ چرا که تلاش‌های مستمر یکن در توسعه سامانه پرداخت بین‌بانکی فرامرزی چین (CIPS) ترویج زمینینی در تسویه‌های تجاری دوطرفه و مشارکت فعال در پروژه‌های چندجانبه‌ای مانند ام‌بریج mBridge، همگی نشان‌دهنده استراتژی کلان این کشور برای کاهش تدریجی وابستگی به نظام‌های تحت نفوذ غرب است.

با این حال، باید مرز باریک اما حیاتی میان کاهش وابستگی به نظام مالی غرب و میزبانی از ریسک دور زدن تحریم‌ها را به درستی درک کرد؛ زیرا تحریم‌های مالی صرفاً به اسناد شبکه سوئیفت خلاصه نمی‌شوند و حتی در صورت خلق یک شاه‌راه پرداخت موازی، مسائلی همچون پذیرش ریسک‌های حقوقی، انطباق با استانداردهای بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی (AML)، کنترل‌های سرمایه‌ای سخت‌گیرانه چین و در نهایت تصمیم بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی برای همکاری با نهاد‌های ایرانی، همچنان به قوت خود باقی خواهند ماند. چین برای بین‌المللی کردن زمینینی و ارتقای اعتماد جهانی به نظام مالی خود، به شدت نیازمند نمایش رفتاری قانون‌مدار در بازار بین‌المللی است و تبدیل کردن یوآن دیجیتال به ابزاری منتهی به تسهیل گریز از تحریم‌ها، مستقیماً با استراتژی بلندمدت یکن در تضاد خواهد بود.

با این همه، واقعیتی به معنای بی‌اهمیت انگاشتن یوآن دیجیتال برای اقتصاد ایران نیست، بلکه شناخت دقیق مختصات این ابزار می‌تواند به سیاستگذاران ما کمک کند تا فرصت‌های واقعی آن را در قلمروهایی چون کاهش هزینه‌های مبادلات دوجانبه تجاری، توسعه کانال‌های تسویه مبتنی بر زمینینی و همکاری‌های فناورانه در حوزه فین‌تک جست‌وجو کنند. نباید فراموش کرد که گرچه اصلی روابط مالی خارجی ایران، صرفاً ناشی از فقدان یک ابزار یا پیام‌رسان مالی نیست، بلکه ریشه در چالش‌های نهادی، حقوقی، بانکی و تکنولوژی‌های سیاسی دارد که گشایش در آنها مستلزم بسته کاملی از اصلاحات ساختاری در زیرساخت‌های مالی داخلی، تنوع‌بخشی واقعی به شرکای تجاری و اعتمادسازی در حوزه دیپلماسی اقتصادی است. در تحلیل نهایی، یوآن دیجیتال قطعه‌ای از یک پازل بزرگ‌تر در مسیر گذار به جهان چندقطبی و دلارزدایی تدریجی است که فرایندی زمان‌بر و فراتر از یک ابزار فناورانه دارد؛ بنابراین، شایسته است سیاستگذار ایرانی به جای جست‌وجوی یک راه‌حل طلایی یا معجزه تکنولوژیک برای خنثی‌سازی یک‌شبه تحریم‌ها، این ابزار را به عنوان بخشی از واقعیت جدید نظام پولی جهان پذیرفته و در چارچوب منافع ملی، ظرفیت‌های ملموس آن را به کار گیرد.

دنیای اقتصاد: در حالی که طی هفته‌های اخیر فضای منطقه بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر تنش‌های فرایزنده میان ایران و ایالات متحده قرار دارد، انتشار مجموعه‌ای از اخبار هم‌زمان از سوی روتنر، قطر، پاکستان و مقامات ایرانی و آمریکایی، بار دیگر نگاه‌ها را به سمت یک مسیر دیپلماتیک معطوف کرده است؛ مسیری که برخی آن را تلاشی برای احیای «تفاهم اسلام‌آباد» می‌دانند؛ توافق غیررسمی که پیش‌تر از آن به عنوان چارچوبی برای مدیریت تنش میان تهران و واشنگتن یاد شده بود. جرقه این گمانه‌زنی‌ها با گزارش روتنر زده شد، این خبرگزاری به نقل از یک مقام ایرانی مدعی شد میانجی‌های منطقه‌ای پیشنهاد برقراری یک آتش‌بس ۱۰ روزه را مطرح کرده‌اند؛ فرصتی محدود که قرار است دو طرف در آن درباره راه‌های احیای تفاهم اسلام‌آباد گفت‌وگو کنند. در همین گزارش همچنین آمده است که طی روزهای اخیر پیام‌هایی میان واسطه‌ها و تهران رد و بدل شده و سفر اسکندر مومنی، وزیر کشور ایران، به اسلام‌آباد نیز در پاسخ به تحرکات دیپلماتیک انجام شده است. اگرچه هیچ‌یک از طرف‌های اصلی تاکنون این روایت را به‌طور رسمی تأیید نکرده‌اند، اما هم‌زمانی چند تحول مهم، احتمال وجود یک ابتکار جدید برای کاهش تنش را پررنگ‌تر کرده است.

قطر و پاکستان: دو ضلع فعال میانجی‌گری

در فاصله کوتاهی پس از انتشار گزارش روتنر، وزارت امور خارجه قطر نیز از ارائه طرحی تازه برای کاهش تنش میان ایران و آمریکا خبر داد. بر اساس اطلاعات منتشرشده، این پیشنهاد شامل توقف حملات از سوی آمریکا و بازگشایی دو مسیر دریایی در تنگه هرمز از سوی ایران برای مدت ۱۰ روز است؛ بازه زمانی‌ای که می‌تواند فرصت لازم را برای آغاز راینجی‌های سیاسی فراهم کند. بیشتر کاظم غریب‌آبادی معاون وزیر خارجه ایران اعلام کرده بود که مسیر جدیدی برای ورود و خروج شناورها به عمان پیشنهاد شده است.

ماموریت اسکندر در اسلام‌آباد

هم‌زمان، منابع پاکستانی در گفت‌وگو با شبکه الجزیره اعلام کردند که

اسکندر مومنی، وزیر کشور ایران، حامل پیامی از سوی مسعود پزشکیان برای مقامات پاکستان است. هرچند تهران اعلام کرده محور اصلی این سفر، مسائل مرزی، امنیتی و توسعه همکاری‌های اقتصادی خواهد بود، اما منابع پاکستانی تأکید دارند که موضوع میانجی‌گری اسلام‌آباد میان ایران و آمریکا نیز در دستور کار این سفر قرار دارد. در واقع، قرار گرفتن این رخدادها در کنار یکدیگر، این برداشت را تقویت کرده که قطر و پاکستان در حال ایفای نقش مکمل در یک ابتکار منطقه‌ای برای مهار بحران هستند؛ ابتکاری که بیش از هر چیز بر ایجاد یک فرصت زمانی کوتاه برای توقف تنش و بازگشت به گفت‌وگو استوار است.

موضع تهران: نه رد مذاکره، نه پذیرش بدون شرط

در این میان، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران نیز با موضعی که از منظر دیپلماتیک قابل توجه است، اعلام کرد که امکان از سرگیری مذاکرات با ایالات متحده وجود دارد، مشروط بر آنکه منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در این روند تأمین شود. اسماعیل بقائی روز دوشنبه در نشست خبری با رسانه‌ها تصریح کرد که ایده‌هایی از طرف میانجی‌ها مطرح شده است. این موضع اگرچه به معنای آغاز فریب‌الوقوع مذاکرات نیست، اما نشان می‌دهد تهران همچنان مسیر دیپلماسی را مسدود نمی‌داند. بر ادبیات روابط بین‌الملل، چنین اظهاراتی معمولاً به‌عنوان حفظ پنجره دیپلماسی تعبیر می‌شود؛ یعنی طرف‌ها ضمن حفظ مواضع خود، امکان بازگشت به میز مذاکره را از بین نمی‌برند.

آیا تفاهم اسلام‌آباد قابلیت احیا دارد؟

در این میان این پرسش مطرح است که آیا تفاهم اسلام‌آباد قابلیت احیا دارد؟ پاسخ به این پرسش، بیش از آنکه به انتشار چند خبر یا سفر یک مقام وابسته باشد، به شرایط میدانی و اراده سیاسی دو طرف بستگی دارد. با این حال، مجموعه نشانه‌های موجود نشان می‌دهد تلاش برای فعال نگه داشتن کانال‌های ارتباطی همچنان ادامه دارد. اگر پیشنهاد آتش‌بس ۱۰ روزه نتواند حتی برای مدت

کوتاهی تنش‌ها را مهار کند، احتمال آغاز دور تازه‌ای از گفت‌وگوهای غیرمستقیم افزایش خواهد یافت؛ گفت‌وگوهایی که ممکن است در گام نخست صرفاً بر مدیریت بحران متمرکز باشد و نه دستیابی به یک توافق جامع. در چنین شرایطی، تفاهم اسلام‌آباد نیز می‌تواند باز دیگر به‌عنوان چارچوبی برای تنظیم رفتار دو طرف و کاهش احتمال رویارویی مستقیم مطرح شود. اما در مقابل، موانع نیز کم نیستند، بی‌اعتمادی عمیق میان تهران و واشنگتن، اختلاف بر سر موضوعات هسته‌ای و منطقه‌ای و همچنین احتمال وقوع هرگونه حادثه امنیتی در منطقه، می‌تواند این روند را در همان مراحل ابتدایی متوقف کند. از همین رو، حتی اگر ابتکار میانجی‌ها آغاز شود، تضمینی برای احیای کامل تفاهم اسلام‌آباد وجود ندارد.

چشم‌انداز

آنچه امروز بیش از هر چیز قابل مشاهده است، نه شکل‌گیری یک توافق جدید، بلکه فعال شدن دوباره دیپلماسی آشکار و پنهان در منطقه است. گزارش روتنر درباره پیشنهاد آتش‌بس، ابتکار تازه قطر، سفر وزیر کشور ایران به پاکستان، موضع مشروط سخنگوی وزارت امور خارجه و تأکید دوباره مارکو روبریو وزیر خارجه آمریکا بر اولویت دیپلماسی و توافق با ایران، همگی قلهات یک پازل مشترک را تشکیل می‌دهند؛ پارلی که هدف نخست آن کاهش تنش و جلوگیری از ورود بحران به مرحله‌ای برهنه‌تر است. در چنین شرایطی، می‌توان گفت احیای تفاهم اسلام‌آباد نه یک سناریوی قطعی، بلکه یک احتمال قابل اعتناست؛ احتمالی که موفقیت آن بیش از هر چیز به میزان پایبندی طرف‌ها به کاهش تنش و توان میانجی‌های منطقه‌ای برای حفظ کانال‌های ارتباطی وابسته خواهد بود. به بیان دیگر، اگر در ۱۰ روزه از مرحله پیشنهاد فراتر برود، می‌تواند نخستین گام در مسیر احیای تفاهمی باشد که هدف اصلی آن، مدیریت اختلافات از مسیر دیپلماسی و جلوگیری از تشدید تقابل است. با این حال نباید سناریوی فریب براساس الگوهای جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه را از نظر دور داشت.

زمان انقلاب ۱۳۵۷ را برقرار کرد.

آینده آتش‌بس حاصل شده و آتش‌بس رسمی و برنامه‌های مربوط به یک توافق گسترده‌تر که پس از آن شکل گرفت، اکنون به شدت نامشخص است، اما با این حال میانجی‌گری پاکستان یک تحول قابل توجه بود. در بیشتر دوران پس از جنگ، ویژگی‌هایی که کشورهای تأثیرگذار در جغرافیای سیاسی را مشخص می‌کردند، تثبیت شده بودند: این ویژگی‌ها شامل وضعیت قدرت‌های بزرگ، وزن اقتصادی، اعتبارهای نرمال لیبرال و قدرت دعوت از دیگر کشورهای بزرگ بود. هیچ‌گاه در تاریخ خود یا کستان این معیارها را برآورده نکرده است. این کشور یک کشور مسلح به سلاح هسته‌ای در حاشیه نظم غربی بود که بیشتر با بی‌ثباتی منطقه‌ای مرتبط بود تا حل منازعات.

این گزارش افزود: تلاش‌های اسلام‌آباد نماد یک تغییر گسترده‌تر در سیاست جهانی است. یک سیستم بین‌المللی بی‌نظم که توسط رقابت چندقطبی شکل گرفته و شروع به ساداش دادن به انواع مختلف کشورهایی کرده است که فاقد اعتبارهای جغرافیایی سیاسی سنتی هستند. با اثبات ناتوانی سازمان ملل و دیگر نهاد‌های چندجانبه در کاهش منازعات مدرن، قدرت‌های غیرسنتی مانند پاکستان، قطر، ترکیه و دیگران در حال پر کردن خلأها از طریق دیپلماسی تثبیت‌کننده نظم هستند. توانایی این کشورها برای ایجاد اعتماد در میان بلوک‌های جغرافیایی سیاسی و باز کردن کانال‌های ارتباطی بین دشمنانی که نمی‌توانند بانمی‌خواهند درگیر شوند، به آنها اجازه داده است تا در مذاکرات آزادی‌گروگان‌ها و زندانیان، مذاکره برای باز کردن کریدورهای تجاری و آغاز گفت‌وگوی سیاسی معنادار مشارکت کنند.

حفظ هژمونی ایران بر هرمز

این در حالی است که شبکه الجزیره طی گزارشی عنوان کرد که تلاش آمریکا برای اعمال کنترل کامل خود بر تنگه هرمز نخواهد توانست در مدت زمانی کوتاه به ثمر بنشیند. این شبکه در گزارشی نوشت که به‌رغم تلاش‌های آمریکا برای کنار گذاشتن ایران از معادلات تنگه هرمز، این کشور نشان داده که همچنان هژمونی خود را بر این آب‌راه حیاتی و استراتژیک حفظ کرده است. در همین رابطه، ولنگانگ یوززای، تحلیلگر دفاعی به الجزیره گفت: «حملات ایالات متحده به ایران توانایی‌های این کشور را در کنترل تنگه هرمز کاهش می‌دهد، اما ممکن است ماه‌ها طول بکشد تا به‌طور کامل حملات آن به کشتیرانی خنثی شود. وی در ادامه عنوان کرد: «ایران دارای تعداد زیادی موشک و بمب‌هیزه پیهاد است که قادر به هدف قرار دادن کشتی‌ها در تنگه هرمز در آینده قابل پیش‌بینی هستند.» به گفته این تحلیلگر، تهران پس از امضای یادداشت تفاهم با ایالات متحده در ماه گذشته، صادرات نفت خود را از سر گرفت و این بدان معناست که ایران منابع مالی خود را به‌خوبی طی این مدت تأمین کرده است.

ترامپ گرفتار بن‌بست

در همین زمینه، روزنامه نیویورک تایمز روز دوشنبه با اشاره به حملات متجاوزانه آمریکا به جنوب ایران تصریح کرد که دولت ترامپ در حال حاضر با همان خطرات

اقتصادی و سیاسی رویه‌رو است که یک ماه پیش مجبور شد به خاطر آنها یک تفاهم‌نامه با ایران امضا کند. نیویورک تایمز نوشت: تحلیلگران می‌گویند زمان آن رسیده است که راهی برای کاهش یک رویارویی به شدت مخرب میان ایران و آمریکا پیدا شود در غیر این صورت خطر جنگی فراتر از آنچه قابل مهار باشد، به شدت منطقه را تهدید می‌کند. این روزنامه آمریکایی با اشاره به حمله نلافی جویانه ایران به پایگاه ایالات متحده در اردن افزود: این حملات تاکنون منجر به کشته شدن ۲ سرباز آمریکایی و زخمی شدن ده‌ها نفر شده است و هزینه انسانی جنگ را برای آمریکایی‌ها بسیار بیشتر کرده و در عین حال، طرح دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا برای تسلط کامل نظامی را نقش بر آب کرده است. نیویورک تایمز در ادامه هزینه‌های تشدید درگیری را بالا ارزیابی کرده و نوشته است: دولت ترامپ یا همان خطرات اقتصادی و سیاسی رویه‌رو است که آن را تنها یک ماه قبل مجبور به امضای یک «یادداشت تفاهم» میهم با تهران کرد که هدف آن مذاکره برای پایان دادن به درگیری بود. همانند آن زمان، تأثیر مخرب جنگ بر اقتصاد جهانی از زمان تجاوز اولیه ایالات متحده و اسرائیل به ایران در فوریه گذشته هنوز کاهش نیافته است. به‌علاوه، گسترش جنگ، خطر آسیب رساندن به متحدان جمهوری خواه رئیس‌جمهور ترامپ را در انتخابات میان‌دوره‌ای پیش رو بیشتر می‌کند. به نوشته این روزنامه، حملات به اهداف آمریکایی در اردن نه تنها تلفات سنگین و خسارت به هلیکوپترها و تجهیزات را به همراه داشته است، بلکه علناً تأیید کرده که تهران توانایی حمله متقابل و گاهی اوقات پیشی گرفتن از ارتش بسیار قدرتمند ایالات متحده را حفظ کرده است. بنابراین، با توجه به خطرات اقتصادی و سیاسی بسیار بالا، ترامپ گزینه‌های کمی برای توجیه این تشدید تنش دارد.

INVITATION TO BID
SAL/ ALEX26/ JUL/ 2026
South Aluminum Corporation (SALCO) intends to sell
10,000 MT Aluminum Ingots (up to 15,000 MT)
Hereby SALCO invites all interested participants
to bid, after going through the details on the
below mentioned link (Tenders & Sales)
<https://en.salcocomplex.com/tender>
If you have any question, please reach us by
phone number:
02153745000 - Ext. 5361

رسانه‌ها پاسخ دادند: آیا راهی برای بن‌بست وجود دارد؟

سه روایت جهانی از جنگ ایران و آمریکا



دنیای اقتصاد: هم‌زمان با ادامه تنش‌ها در خاورمیانه و گسترش حملات آمریکا به ایران، رسانه‌های جهان طی گزارش‌هایی جداگانه به دلالت‌ها و اثرات شروع مجدد درگیری‌ها در سطح کلان پرداخته‌اند، سه رسانه بین‌المللی با بررسی وضعیت فعلی عنوان کردند که درگیری‌های اخیر نه تنها نمایانگر تحولات عظیم در عرصه سیاست بین‌الملل است، بلکه نشان از آن دارد که کاخ سفید بار دیگر خود را گرفتار بن‌بستی کرده که پیش‌تر و با امضای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد بنا داشت از آن خارج شود.

تنش ایران در ساختار آینده منطقه

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین ایران طی یادداشتی برای نشریه فارن افرز عنوان کرد که تاب‌آوری ایران در برابر فشارهای مستمر، هرگونه تلاش برای حذف تهران از ساختارهای امنیتی آینده در منطقه را بیش از پیش دشوار ساخته است. این موضوع، پیش و بیش از هر چیز، شامل نقش محوری ایران در تأمین امنیت عبور محموله‌های انرژی جهانی و کشتیرانی تجاری از تنگه هرمز می‌شود. وی در ادامه نوشت: فروپاشی یادداشت تفاهم میان ایران و آمریکا جای تعجب ندارد. ایران و ایالات متحده برداشت‌های متفاوتی از مفاد توافق، به ویژه در مورد تنگه هرمز داشتند. تهران بر این باور بود که همان‌گونه که در یادداشت تفاهم آمده است، ایران قول داده است که «از تمام تلاش خود برای ایجاد ترتیبات عبور ایمن و بدون هزینه شناورهای تجاری، تنها به مدت ۶۰ روز، استفاده کند.» تهران همچنین تصور می‌کرد که به همراه عمان و در کنار سایر کشورهای خلیج